

هنگ بين ۳

اشعار والا

لى هنگجى

فهرست

شعرها

- ۸..... فقدان کامل خویشتن‌داری (۱۰ فوریه ۲۰۰۴).....
- ۸..... رهسپار شکم (۱۰ مه ۲۰۰۴).....
- ۸..... جستجو (۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴).....
- ۸..... پس از خواندن [یک مقاله] (۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴).....
- ۹..... واله و شیدا (۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴).....
- ۹..... امحای دوران سرخ (۱۹ اکتبر ۲۰۰۴).....
- ۹..... جر و بحث نکنید (۳ ژانویه ۲۰۰۵).....
- ۹..... مردم تانگ جدید (۵ فوریه ۲۰۰۵).....
- ۱۰..... رویکرد به تزکیه (۲۱ مارس ۲۰۰۵).....
- ۱۰..... یک فکر (۱۰ آوریل ۲۰۰۵).....
- ۱۰..... سختی‌ها (۲۲ مه ۲۰۰۵).....
- ۱۰..... خارج شوید تا جان سالم به‌در ببرید (۵ ژوئیه ۲۰۰۵).....
- ۱۱..... بدون هیچ راه فرار (۱۱ اوت ۲۰۰۵).....
- ۱۱..... فروپاشی (۱۵ اوت ۲۰۰۵).....
- ۱۱..... همه برای این روز (۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵، جشنواره نیمه‌پاییز).....
- ۱۲..... پوسیده (۴ اکتبر ۲۰۰۵).....
- ۱۲..... چرا فجایع فراوانند؟ (۹ اکتبر ۲۰۰۵).....
- ۱۲..... بازسازی کیهان (۲۲ نوامبر ۲۰۰۵).....
- ۱۳..... برداشت‌های اجمالی از خوبی (۲۹ نوامبر ۲۰۰۵).....
- ۱۳..... تماشای شن یون (۲۱ ژانویه ۲۰۰۶).....
- ۱۳..... وارد شدن به یک حالت ذهنی مقدس (۶ آوریل ۲۰۰۶).....
- ۱۴..... به وضعیت اصلی (۳ ژوئن ۲۰۰۶).....
- ۱۴..... افراد خدایی در این دنیا (۲۲ ژوئیه ۲۰۰۶).....
- ۱۴..... چه کسی واقعاً ایشان را می‌شناسد؟ (۱۷ اوت ۲۰۰۶).....
- ۱۵..... پیروی از استاد (۱۵ نوامبر ۲۰۰۶).....

۱۵	پایان کالیا (۲۲ دسامبر ۲۰۰۶).....
۱۵	به وجدان خود خیانت نکنید (۳۰ ژانویه ۲۰۰۷).....
۱۶	هزاره جدید (ژوئیه ۲۰۰۷).....
۱۶	همیشه زیباتر (۱۷ اکتبر ۲۰۰۷).....
۱۶	حقیقت می تواند شما را از نگرانی ها برهاند (۲۵ اکتبر ۲۰۰۷).....
۱۶	برای نجات دنیا (۱۵ مه ۲۰۰۸).....
۱۷	فا دنیا را دوباره نو می کند (۳۰ اوت ۲۰۰۸).....
۱۷	چشمه های ازدها (۱۰ اکتبر ۲۰۰۸).....
۱۷	کناره گیری کنید (اکتبر ۲۰۰۸).....
۱۸	نجات این جهان (۱۱ نوامبر ۲۰۰۸).....
۱۸	شن یون (۱۸ دسامبر ۲۰۰۸).....
۱۸	نگه داشتن چرخ (۱۰ ژانویه ۲۰۰۹).....
۱۸	جایگزین کردن زمین (۱۷ ژانویه ۲۰۰۹).....
۱۹	نوشتیدن شراب گرگ (۱ ژوئیه ۲۰۰۹).....
۱۹	پایان دوران سرخ (۱۸ اکتبر ۲۰۰۹).....
۲۰	چرخاندن دوباره (۱ دسامبر ۲۰۰۹).....
۲۰	تمدن چینی چیست (۱ ژانویه ۲۰۱۰).....
۲۱	بین و یانگ برعکس شدند (۲۰۱۰).....
۲۱	اصلاح کردن فا (۲۳ آوریل ۲۰۱۰).....
۲۱	دراز کشیدن در عمارت (۱۸ ژوئیه ۲۰۱۰).....
۲۲	من رویگردانم (۴ اکتبر ۲۰۱۰).....
۲۲	بی عنوان (۵ اکتبر ۲۰۱۰).....
۲۲	برای مردم دنیا (۲۲ ژانویه ۲۰۱۱).....
۲۳	در مسیر در طول تور (۱۱ آوریل ۲۰۱۱).....
۲۳	بازدید از صخره های سرخ (۱۱ آوریل ۲۰۱۱).....
۲۳	چشم دوختن به کوه ها (۱۱ آوریل ۲۰۱۱).....
۲۳	حق با چه کسی است، چه کسی اشتباه می کند (۱۶ مه ۲۰۱۱).....

سرودها (متن آواها)

- ۲۵ باید بین نیکی و پلیدی انتخاب کنید (آوریل ۲۰۰۶)
- ۲۵ انتخاب (۳۰ آوریل ۲۰۰۶)
- ۲۶ فرصتی در یک چشم بهم زدن (۲ مه ۲۰۰۶)
- ۲۶ چه کسی هستیم؟ (۲۰۰۶)
- ۲۷ نیک خواهی (۲۰۰۶)
- ۲۷ چرا آن را رد می‌کنی؟ (۲۰۰۶)
- ۲۸ به حقیقت پناه ببرید (۲۰۰۶)
- ۲۸ هر دوره زندگی برای این زندگی بود (۱۰ ژوئن ۲۰۰۷)
- ۲۹ سربلندی اجازه هیچ نگاه به عقب را نمی‌دهد (۲۱ ژوئن ۲۰۰۷)
- ۲۹ این [آن موجود] خدایی است که مردم را نجات می‌دهد (۲۱ ژوئن ۲۰۰۷)
- ۳۰ برای تسکین نگرانی تان (۲۱ اکتبر ۲۰۰۷)
- ۳۰ بیدار شدن (۲۶ اکتبر ۲۰۰۷)
- ۳۱ فقط حقیقت می‌تواند نجات دهد (۲۶ اکتبر ۲۰۰۷)
- ۳۱ از حقیقت آگاه شوید (۲۹ اکتبر ۲۰۰۷)
- ۳۲ ما می‌دانیم (۱ نوامبر ۲۰۰۷)
- ۳۲ باعث نشوید برای تان تأسف بخورم (۲۰۰۷)
- ۳۳ برای چه کسی هستیم؟ (۲۰۰۷)
- ۳۴ برای تو آواز می‌خوانم (۲۰۰۷)
- ۳۴ درک شده یا از دست رفته، در یک فکر (۷ فوریه ۲۰۰۸)
- ۳۵ توجه کنید (۲۷ آوریل ۲۰۰۸)
- ۳۵ نشان دادن مسیری از امید به شما (۲۵ ژوئن ۲۰۰۸)
- ۳۶ همگی برای این فامند (۱۵ ژوئن ۲۰۰۸)
- ۳۶ پخش زاله شیرین (۱۸ ژوئن ۲۰۰۸)
- ۳۶ بگذارید عقل و منطق فائق شود (۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸)
- ۳۷ بیش از این تردید و دودلی نداشته باشید (۲۰۰۸)
- ۳۷ بیدار شده (۲۰۰۸)

- ۳۸ (۲۰۰۸) عهده‌ی که با [آن موجود] خدایی بسته شد باید به‌انجام برسد
- ۳۸ (۲۰۰۸) حقیقت در حال پخش شدن است
- ۳۹ (۹ فوریه ۲۰۰۹) حقیقت همان نور راهنماست
- ۳۹ (۲۰ فوریه ۲۰۰۹) در انتظار فا
- ۳۹ (۲۴ فوریه ۲۰۰۹) انتخاب خود فرد
- ۴۰ (۱۴ مارس ۲۰۰۹) هرگز مسیر را گم نکنید
- ۴۰ (۲۱ مارس ۲۰۰۹) چه کسی می‌تواند آن را کسب کند؟
- ۴۱ (۳ آوریل ۲۰۰۹) نیکی را از پلیدی تشخیص دهید
- ۴۱ (۶ آوریل ۲۰۰۹) به‌آرامی نظری بیندازید
- ۴۱ (۸ آوریل ۲۰۰۹) کدام سمت را انتخاب کنید
- ۴۲ (۱۶ آوریل ۲۰۰۹) نور راهنما
- ۴۲ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۹) امید هست
- ۴۳ (۲۸ ژوئن ۲۰۰۹) بازگشت به دروازه‌های آسمان
- ۴۳ (۱۰ اوت ۲۰۰۹) به مردم دنیا
- ۴۳ (۱۱ اوت ۲۰۰۹) بازگشت به آسمان همان ساحلی دیگر است
- ۴۴ (۲۴ اوت ۲۰۰۹) آوازهای تور
- ۴۴ (۱۳ نوامبر ۲۰۰۹) رهنمون به قرنی نو
- ۴۴ (۲ ژانویه ۲۰۱۰) یگانه امید
- ۴۵ (۱۰ ژانویه ۲۰۱۰) آرزوی تان چیست؟
- ۴۵ (۳ آوریل ۲۰۱۰) فراخوانده شده از سوی [آن موجود] خدایی برای پخش حقیقت
- ۴۵ (۲۱ مارس ۲۰۱۰) به‌راه راست هدایت کردن
- ۴۶ (۳ آوریل ۲۰۱۰) [آن موجود] خدایی مرا فرامی‌خواند تا به‌خاطر شما عجله کنم
- ۴۶ (۶ آوریل ۲۰۱۰) تأسف کمی نخواهد کرد
- ۴۷ (۶ مه ۲۰۱۰) ارائه حقیقت به شما
- ۴۷ (۱۶ اوت ۲۰۱۰) به‌انجام رساندن عهد
- ۴۷ (۱۸ اوت ۲۰۱۰) هدف از زندگی
- ۴۸ (۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰) معنی زندگی چیست؟
- ۴۸ (۶ نوامبر ۲۰۱۰) آرزوی شدید
- ۴۸ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۰) در مقابل چشمان تان

- ۴۹ (۲۶ نوامبر ۲۰۱۰) چه کسی می تواند به من بگوید؟
- ۴۹ (۲۰۱۰) آواز در قلبم
- ۴۹ (۲۰۱۰) مسیر آسمان
- ۵۰ (۲۰۱۰) چقدر سخت است شما را نجات داد
- ۵۰ (۲۰۱۰) پخش کلمات حقیقی
- ۵۰ (۲۰۱۰) جستجو
- ۵۱ (۲۰۱۰) نجات دادن و برگرداندن شما به آسمان
- ۵۱ (۱ مارس ۲۰۱۱) دعوت از شما قبل از فاجعه
- ۵۱ (۲۲ مارس ۲۰۱۱) معنی زندگی چیست؟
- ۵۲ (۲۲ آوریل ۲۰۱۱) آیا عهد خود را فراموش کرده اید؟
- ۵۲ (۲۸ آوریل ۲۰۱۱) زنگار را بزداييد
- ۵۲ (۳ مه ۲۰۱۱) امید برگشت به خانه
- ۵۳ (۹ مه ۲۰۱۱) جهان دنیوی مانند دریا است
- ۵۳ (۱۵ مه ۲۰۱۱) هشیار شدن
- ۵۳ (۱۶ مه ۲۰۱۱) در انتظار نجات بودا
- ۵۴ (۱۸ مه ۲۰۱۱) صحبت از پیوندهای کارمایی
- ۵۴ (۱۸ مه ۲۰۱۱) حقیقت

شعرها

فقدان کامل خویشتن داری

تجمل و لذت—این دنیای نوین
مسحور شده اهریمنان، با هیجان شدید رقصیدن
همه آنها به انحراف و فساد می انجامد
رها کردن عنان سرشت اهریمنی، جدا شده از الهیات
پس از ورود به جهنم، فرصتی برای بیرون آمدن نیست

رهسپار شکم

الکل مخدری است که راهی شکم می شود
ترک اعتیاد به آن سخت است
یک لیوان شاید تسکین بخش نگرانی‌ها باشد
اما ده لیوان نیشخند اهریمنان را در پی دارد

جستجو

دنیای بشری شبیه یک هزارپیچ است،
سختی‌ها در تمام راه گسترده شدند.
قبل از نزول، همگی پادشاهان بالا بودید،
در جستجو بودید،
به دنیا آمدید برای این فا.
بکوشید در تزکیه پیشرفت کنید،
در برگشت، گام‌های تان را کند نکنید.

پس از خواندن [یک مقاله]

زاده شده در سختی،
پس از ده‌ها سال هنوز جیب‌تان خالی بود.
پس از کسب فا، به بالا اوج گرفتید.
عجله کنید،
در انجام سه‌کار به خوبی عمل کنید،
همه موجودات را نجات دهید،
به خانه برگردید و گام‌های تان را کند نکنید.

واله و شیدا

زندگی کوتاه است،
صرفاً در هتلی اقامتی کوتاه دارید.
عهد مربوط به قبل از نزول تان به اینجا را فراموش نکنید؛
اگر به واسطه شهرت، نفع شخصی، احساسات و انتقام
در این مسیر مردد شوید،
چه وقت بیدار خواهید شد و به خانه تان باز خواهید گشت؟

امحای دوران سرخ

پایان مقدرشده دوران سرخ نزدیک است،
گل هایش پژمرده و پرپر شده است.
تباهی، فجایع فرودآمده از آسمان،
و بدبختی ناشی از این حزب.
رفتار بی‌شرمانه برای قدرت،
مقامات حریصش خطراتی را به جان می‌خرند.
افکار مهربان در قلب مردم یافت نمی‌شود،
سرکوب بیشتر، باعث رنجش بیشتر می‌شود.
برای آنانی که هنوز آزار و اذیت را ادامه می‌دهند،
بررسی و رسیدگی به آنان بی‌امان خواهد بود.

جر و بحث نکنید

وقتی مردم با شما جر و بحث می‌کنند، با آنان جر و بحث نکنید
تزکیه جستجوی درون برای یافتن علت است
اینکه بخواهید توضیح دهید صرفاً خوراک دادن به وابستگی است
وسعت ذهن، وابسته نبودن، بینش واقعی را به ارمغان می‌آورد

مردم تانگ جدید

لباس زیبا و رقص موزون
موسیقی و طبل نوازی مسحورکننده
روش‌های باستانی در حال ظهور مجددند
احیای چین از راه می‌رسد

رویکرد به تزکیه

خود را در معابد و کوه‌ها منزوی نمی‌کنیم
ما نیز از شاگردان، کشاورزان و کارکنان هستیم
مستقیماً روی قلب‌مان کار می‌کنیم، فا را تزکیه می‌کنیم
گل‌های نیلوفر آبی خالص در این دنیای مادی نمی‌توانند خدشه‌دار شوند

یک فکر

مادیات و مقدسات، یک نهر فاصله دارند
به جلو یا عقب: دو قلمروی متفاوت
وارد معبد در این بیشه شوید
یک قدم و به آسمان رسیده‌اید

سختی‌ها

چشمانم را می‌بندم و به خوابی سبک می‌روم
تا از تمام سختی‌های اینجا جدا شوم
به محض بیدار شدن، چیزهای بی‌پایانی نمایان می‌شوند
نه آسمان و نه زمین
هیچ‌یک نمی‌توانند مسیر اصلاح فای مرا مسدود کنند
اما قلب بشری مریدان می‌تواند

خارج شوید تا جان سالم به‌در ببرید

به آرامی کل دنیا را نظاره می‌کنم
هرگز چیزها تغییر را متوقف نکرده‌اند
زندگی بشری شبیه یک نمایش یا رؤیا است
واله و نادان هستند کسانی که در این سردرگمی گم شده‌اند
پیروان مجنون [ح.ک.چ] دیوانه‌وار رفتار می‌کنند
این اصل و قانون هم‌اکنون در حال تغییر است
یک فکر، که خارج شوید یا [عضوی از ح.ک.چ] بمانید
درباره سرنوشت‌تان تصمیم‌گیری کنید: بقا یا فنا

بدون هیچ راه فرار^۱

سراسیمه به سمت درِ پشتی
فرار به محل جمع‌آوری زباله را ترجیح داد
[همه‌اش به‌خاطر اینکه]
از دیدن «فالون دافا عالی است» ترسید
قادر نبود فالون دافا را سرنگون کند
از مواجهه با حقیقت ترسید
به‌سرعت فرار کرد
نه شرح و تفسیر دنیا را شوکه کرد
بیشتر شبیه یک انفجار
حزب شیطان‌ی به انتهای خود رسیده است

فروپاشی

رعد می‌غرد
باران به‌شدت می‌بارد
آسمان و زمین درحال گردشند
حزب شیطان‌ی درحال محو شدن
این جانور سرخ صدساله
یک شبه ازبین خواهد رفت
آسمان شفاف می‌شود
وقتی طوفان تمام شود

همه برای این روز

ورای زمان و مکان، به‌طور پرتوان فا را اصلاح می‌کنم
به‌رغم سختی‌های عظیم، اراده‌ام هرگز تغییر نمی‌کند
در بحبوحه شیطنت دیوانه‌وار، هرگز راه خود را گم نمی‌کنم
ازبین بردن اهریمن را مانند تکاندن گرد و غبار در نظر می‌گیرم
وقتی مریدان مسیر دافا را به درستی ببینند
نورشان دنیا را نورانی می‌کند، شیطان را به‌طور کامل محو می‌کند
مریدان کوشا- شکوفه‌های آلو در سرمای زمستان
هزاران هزار سال سختی همه برای این روز بود

پوسیده ۲

دیوانه، بدون عقلانیت
اهریمنی، اما بدون دل و جرأت
افراد خوب را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد، بدون شرم
یک میهمان در ضیافت دولتی
ناگهان شانه [موی] خود را بیرون آورد
و شروع به آواز خواندن کرد
امیال سیری‌ناپذیرش او را به روابط شهوانی کشاند
فروختن کشور، مشغول زن‌بارگی
زشت -
چنین است شیطنتش
سرنوشت‌اش -
محکوم به مرگ

چرا فجایع فراوانند؟

چه زمانی فجایع،
از آسمان یا ساخته دست بشر،
به پایان خواهد رسید؟
چقدر دلایل شان شناخته شده است؟
طوفان‌های شدید، سونامی‌ها و زلزله‌ها
بازپرداختی برای فقدان تقوای موجودات هستند
مهربانی، از خودگذشتگی، پسندیدگی، یا اعتماد
دیگر وجود ندارند، به خاطر تغییر در قلب مردم
همه افول اخلاقیات را شتاب می‌بخشند
هر نوع فاجعه‌ای هر لحظه می‌تواند نازل شود

بازسازی کیهان

اصلاح این افلاک، بازسازی این کیهان
لایه‌لایه، مقاومت را پشت سر می‌گذارم
اصلاح فا درخصوص شستن آلودگی کهن نیست
جذب و نو شوید تا وارد کیهان عظیم جدید شوید

برداشت‌های اجمالی از خوبی

گرچه غبار اهریمنی هنوز برفراز چین است
آگاهی از دافا درحال گسترش به هر خانه است
موجودات نجات می‌یابند، اذهان به تدریج بیدار می‌شوند
پلیس و شهروندان بیدار می‌شوند، از مخالفت‌شان دست می‌کشند
توده‌های مردم می‌دانند که حزب اهریمنی کارش تمام است
همه درباره بی‌رحمی و کارهای شیطانی ح.ک.چ صحبت می‌کنند
بدکاران و سرکردگان‌شان به دنبال راه گریز می‌گردند
راه‌های سستی درحال بازگشتند تا چین را اصلاح کنند

تماشای شن یون

پرده باز می‌شود، و بهشتی آنجاست
موجودات الهی، بوداها، بودی‌سات‌واها، ابرهای نیک‌بختی
آلات باشکوه، موسیقی خدایی را شروع می‌کنند
روبان‌ها پروازکنان می‌رقصند، رقص دختران آسمانی
واجراها، آرهاها و پادشاهان آسمانی حضور دارند
پرده پس‌زمینه شبیه رنگین‌کمان، شتاب‌آهنگ باشکوه
نور پرمحبت فا قلب حصار را ذوب می‌کند
میدان انرژی پر قدرت، ۵۰۰۰ چشم را خیره می‌کند
بیشتر شبیه یک رؤیاست تا یک نمایش
قلمرویی است که موجودات خدایی درست همین کنار هستند
مردم سپاسگزار این سفر هستند، گویی نجات یافته‌اند
انتظار برای نمایش سال بعد به نظر سخت می‌آید

وارد شدن به یک حالت ذهنی مقدس

شیب‌ها پوشیده شده با سبزه‌های لطیف
تالارها و بناهای باشکوه
«اینجا من در سرزمین خدایی هستم»
ذهن خالی می‌شود و افکار مهربان بروز می‌کند
باد به آرامی زنگ را به صدا در می‌آورد
دود عود به حرکت درمی‌آید
فرد تعلل می‌کند، خانه را فراموش می‌کند، مایل نیست برود
«اگر الان تزکیه نکنم، چه وقت باید؟»

به وضعیت اصلی

بدن حقیقی ایشان جوان است با عمری بی کران
ورای تمام زمان و مکان، بر قوانین کیهان حکومت می کنند
راه آسمان ها را آموزش می دهند تا افلاک را نجات دهند
ایشان به تنهایی بدهی های کارمایی تمام موجودات را متحمل شده اند
بدهی های فراوان، سختی های عظیمی را شکل داده اند
موهای شان خاکستری شد و بدن شان آسیب دید
وقتی اصلاح فا به انجام برسد، وجود خدایی شان نمایان خواهد شد
رحمت بی نهایت شان ده جهت را در حیرت فرو می برد

افراد خدایی در این دنیا

مریدان دافا از پادشاهی های بالا می آیند
اما چه تعداد از این مریدان مقدس آزمون های سخت را تحمل می کنند!
استاد دافا را برای نجات مردم آموزش داده است
همگی در حال استفاده از توانایی های شان هستند تا این فاجعه را به پایان برسانند
از استاد پیروی می کنند تا موجودات دنیا را نجات دهند
وقتی این مأموریت به انجام رسید، همگی به قلمروهای خود باز می گردند

چه کسی واقعاً ایشان را می شناسد؟

ایشان فردی مقدس است، گرچه یک بدن بشری پوشیده اند
آسمان و زمین در برابر ایشان تسلیم هستند
هنگام خواب، به نظر می رسد لرد تمام موجودات خدایی هستند
هنگام بیداری، تا اندازه های بشر
و گرچه غذای زمینی را می خورند
حتی خدایان از کلماتشان یکه می خورند
چرخ کیهانی به دستور ایشان می چرخد
انرژی راستین شان تمام روح ها را در حیرت فرو می برد

پیروی از استاد

چهره‌های قدرتمند و عظیم
آنها برای این جریان بزرگ جمع شدند
موقعیت‌های اجتماعی مختلف
و شغل‌های مختلفی را به عهده گرفته‌اند
مردان دانا و باهوش هستند
استاد را در اصلاح فایده پیروی می‌کنند
علیه این جریان‌های شوم کار می‌کنند

پایان کالپا

بدن‌های کیهانی در حال نظم و ترتیبی نو هستند
چراکه کیهان تباهی خود را هویدا کرد
چراکه فجایع، قریب‌الوقوع بودند
چراکه همه موجودات خدایی در حال گریه بودند
وقتی لرد بزرگ یک فکر داشت:
«آنها را خالص کن و آنها را مانند نو کن»
قلب تمام موجودات به یک دانه گرد متصل شد- سیاره زمین
اصلاح فایده موفق می‌شد یا شکست می‌خورد؟
به عنوان مداخله، نیروی کهن نظم و ترتیب داد
جانور سرخ روی این دانه گرد دنیا پدیدار شود
وقتی تعدادی که باید نجات یابند کامل شود
شیطان باید به یکباره نابود شود

به وجدان خود خیانت نکنید

در حالی که در این دنیای بشری زندگی می‌کنید
نباید به وجدان خود خیانت کنید
خوب یا اهریمنی بودن، آینده‌تان را مشخص می‌کند
به هیچ شکلی این حزب اهریمنی را تقویت نکنید

هزارهٔ جدید

گسترش دافا تمام قلمروها را مبهوت کرده است
ارزش‌های منحرف و آموزه‌های پلید
در مقابل آن عقب‌نشینی می‌کنند، ردی از آنها باقی نمی‌ماند
حزب اهریمنی و فرقهٔ آن یک‌شبه فرو می‌ریزد
فالون هزارهٔ جدیدی به ارمغان می‌آورد

همیشه زیباتر

ما بیش از سایر گل‌ها می‌درخشیم، گرچه رقابت نمی‌کنیم
در سرمای سخت، ما به تنهایی رایحه پخش می‌کنیم
ده سال بادهای وحشی سعی کردند شاخه‌های ما را بشکنند
حالا آسمان درحال صاف شدن است
و برف روی شاخه‌ها آب می‌شود
شکوفه‌های آلو حیاط را پر می‌کنند

حقیقت می‌تواند شما را از نگرانی‌ها برهاند

چه وقت کشمکش‌های زندگی متوقف خواهند شد
ثروتمند یا فقیر بودن مانند شاخ‌وبرگ پاییز موقتی هستند
همهٔ موجودات برای چه به این دنیا آمدند؟
حقیقت، شما را از نگرانی‌های تان می‌رهاند

برای نجات دنیا

از حقیقت آگاه شوید و از ارواح اهریمنی رها شوید
نه شرح و تفسیر را پخش کنید و حزب اهریمنی از بین خواهد رفت
مردم دنیا را با افکار درست نجات دهید
دروغ‌ها را برملا کنید و قفل‌ها در قلب مردم را باز کنید
ما باور نداریم وجدان نتواند بیدار شود

فا دنیا را دوباره نو می کند

با طلوع خورشید، ابرها و پرتوهای درخشان آسمان را پر می کنند
در مه صبحگاهی به موقعیت ماه نگاه می کنم
دافا درحال پایان دادن به یک قرن بلای سرخ است
همه چیزهایی که باور نمی کردند باید هویدا شوند
واقعیت راستین، ظهور اولیه باشکوه خود را خواهد داشت
دنیا را دوباره نو می کند و یک عصر جدید را آغاز می کند

چشمه های اژدها

صرفاً یک قدم بیشتر و وارد آسمان شده اید
انرژی راستین کیهان پهناور در همه اطراف می درخشد
زنگ فا و طبل فا، اهریمن و پلیدی را پاک می کند
اینجا سرچشمه فای راستین و نوشته های واقعی است
نسیم طراوت بخش گذر می کند و وزش باد آهنگی موزون ایجاد می کند
دود عود موجودات لجوج اسفل را تغییر شکل می دهد
تعداد زیادی از موجودات خدایی درحال محافظت از دافا هستند
یک معبد راه را رهبری می کند، هزاران دیگر باید بیایند

کناره گیری کنید

وقتی سر اژدهای سرخ جدا شود،
دمش بریده و در روغن سرخ شود
گوشت آن تفت داده شود
کدام دیو در جهنم ابدی
نمی خواهد هر ذره را بخورد؟
یک قرن دیوانگی
نبرد علیه آسمان و زمین
گروهی از بزهکاران
وقتی جانور سرخ متلاشی شود
نگرانی در قلب همه موجودات محو می شود

نجات این جهان

ستون فا که به آسمان می‌رسد، با فساد و تباهی صدمه خورده
پادشاهان و لردهای هر جهانی پیر و نحیف شده‌اند
یک فکرِ ایشان برای بازآفرینی کیهان وسیع، آسمان‌ها را تکان داده
اراده‌الماس‌گون ایشان دوران مرگبار افول را متوقف کرده

شن یون

آواز و رقص روی صحنه،
آسمان و زمین را مبهوت می‌کند
سازهای بادی و زهی در جایگاه ارکستر،
مانند هزاران اسبِ درحالِ تاختن.
نیروی کهن را از بین می‌برد،
عمارت سرخ را واژگون می‌کند
شب‌نم شیرین نیک‌خواهی
بهار را برای آسمان و زمین به ارمغان می‌آورد

نگه‌داشتن چرخ

درحالی که چرخ را با بازوان گردشده نگه می‌دارم
بلند و رفیع بین آسمان و زمین می‌ایستم
نگاه به پایین به دنیای بشری
سیارهٔ زمین مانند یک گوی بسیار کوچک
سه‌قلمرو زیر پایم
مردم دنیا در غبار
سختی و رای این دنیا رفتن در چیست؟
مریدان احساس می‌کنند گسستن وابستگی‌ها سخت است

جایگزین کردن زمین

نیروی عظیم اصلاح فا نزدیک می‌شود
و خبر خوب درحال گسترش است
لاک و مهر سرخ بزرگ ح.ک.چ از این سرزمین الهی رخت برمی‌بندد
وقتی این رژیم اهریمنی به پایین رودخانه برده شود
بهار به چین بازخواهد گشت، گل‌ها شکوفا می‌شوند

نوشیدن شراب گرگ

فرهنگ حزب اهریمنی
علیه راه آسمان می‌رود
از بدو تولد در شما القاء می‌شود،
«پرورش یافته مادر حزب» هستید
فرد باید احساس شرمساری کند،
که با آن ایده‌های منحرف پر شده است
زندگی این نیست که رابطه فرزند و مادری^۳ با حزب داشت
دزدی، فریب، شهوت، نزاع -
کمونیست تبهکار
مانند گروه پنجاه‌سیتی^۴ خیانت نکنید
رفتار زشت مأمور ویژه
مایه ننگ هم‌وطنان اوست
[اگر هنوز خود را به‌عنوان
فرزند مادر حزب در نظر می‌گیرید]
شیطان‌ها خنده شیطانی می‌کنند
به هر فکر و عمل شما

پایان دوران سرخ

در پایان روز، دوران سرخ محو می‌شود، نمایش‌اش تمام شده
فساد و اضمحلال مقدمه بودند
مردم مملو از دلخوری، رژیم شیطانی سقوط می‌کند
فجایع در سراسر این سرزمین روی می‌دهند
به هیچ طریقی این حزب نمی‌تواند احیا شود
مردم بیدار می‌شوند و عدالت وجود دارد
تمام این سه کناره‌گیری^۵ گویای پایان حزب هستند
با تلاشی مشترک، تمدن باستانی شروعی مجدد می‌یابد

چرخاندن دوباره

فالون دوباره می‌چرخد
کوه‌ها و رودخانه‌ها تغییر کردند
آسمان و زمین خالص شدند
مردم دوباره افکار مهربان بدست می‌آورند
سنت‌ها احیا می‌شوند
همه حقیقت درباره کیهان برملا می‌شود
بوداها، دائوها و موجودات خدایی در میان جمعیت هستند
افکار پلید را از بین ببرید تا ذهن مردم را اصلاح کنید
همگی برای به‌انجام رساندن آرزوی عظیم‌ام.

تمدن چینی چیست

سلسله‌عملیات آزار و شکنجه پشت سر هم
یک محاکمه خونریزی، یک بوی خون
سرآمد فرهنگ نابود شد
«انقلاب فرهنگی» سرمایه‌های فرهنگی را نابود کرد
ارزش‌های نسل‌های بعدی و تاریخ منحرف شدند
حزب به میل خود دروغ در مردم القاء می‌کند
انگیزه‌هایش کاملاً روشن است
سیستم‌های عملیاتی‌اش کامل و کارآزموده هستند
چه کسی باعث شد به غلط قضاوت کنید
و حزب کمونیست را وارد کنید؟
انسان شاهکار خدا است
نه از تبار ارتش اژدهای سرخ
«چین»، «این ح.ک.چ» نیست
مردم را گمراه نکنید
فرهنگ حزب یک سیستم شیطانی است
چین دارای بنیانی ۵۰۰۰ ساله به‌عنوان آماده‌سازی است
و جوهر فرهنگ چینی آنجا نهفته است

بین و یانگ برعکس شدند

برعکس شدن بین و یانگ به دنیا آسیب می‌رساند
مردان هیچ مردانگی ندارند
بی‌اراده، مردد، و زن‌گونه
کوتاه‌ذهن، آنان بیچارگان بی‌ارزش هستند
زنان قوی و زیرک هستند
عجول، بدزبان، و تسلط‌گر هستند
به‌طور گிரایی نجیب یا ظریف و زیبا نیستند
افسونگران جذاب، آنان فاحشه‌های مرموز هستند

اصلاح کردن فا

یک فکر من افلاک و ورای آن را مبہوت کرده-
می‌خواستم تمام موجودات را نجات دهم و تمام چیزهای مضر را برطرف کنم
لایه‌های بی‌شماری از نیروی کهن پوسیده مانعی در مسیرم شدند
با وارد شدن به دنیای بشری، پی بردم که مسائل بدتر هستند
همان‌طور که می‌روم، فا را اصلاح می‌کنم، در تمام لایه‌های کیهان نفوذ می‌کنم
همه آنهایی که انتخاب کردند با اصلاح مخالفت کنند، از بین برده شدند
وقتی آسمان آرزو کند تغییری صورت پذیرد، چه کسی جرأت می‌کند مخالفت کند؟
کیهان، که حالا از نو ساخته شده، هرگز دوباره بد نخواهد شد

دراز کشیدن در عمارت

با دراز کشیدن در عمارت
استراحت می‌کنم، چشمان کمی باز هستند
سرم در ناوک کوه استراحت می‌کند
قله‌اش، یک بالش برای پایم
اژدها و ققنوس‌ها پرواز می‌کنند
دختران آسمانی برایم می‌رقصند
یک روز باید برگردم به سریر خود
آزادانه سوار بر بادهای آسمان شوم

من رویگردانم

در گذشته هنگام شروع
به آن مخلوق بیچاره هشدار دادم که صدمه نزنند-
وقتی حزب شیطانی سقوط کند،
چه خواهی کرد، در مواجهه با رسیدگی؟
دهان بزرگت سم ساطع می کند
هیچ چیز با گیوتینی که در انتظار توست برابری نمی کند
حالا بازی به نقطه باخت رسیده است
هیچ جا نمی توانی فرار کنی

بی عنوان

گل ها خوب به نظر می رسند،
اما قلب مردم در حال پژمردن است
ماه کامل است،
اما نجات مردم سخت است.
این سرزمین در معرض ویرانی است،
اعتراض آسمان.
با خواندن نه شرح و تفسیر،
دیگر فرد گمراه نمی شود.

برای مردم دنیا

شما عهد بستید که فا را کسب کنید، و اینجا آمدید که بشر باشید
اما درحالی که دافا اشاعه می یابد، به الهیات پی نمی برید
از آن فلاپرهایی که حقیقت را ارائه می دهند رو برمی گردانید
حزب شیطانی به دنیا دروغ گفته، شما را نامهربان ساخته
مریدان قلب شان را روی بیدار کردن شما می گذارند، اما شما امتناع می ورزید
یکبار که فرصت از دست برود، زمان تان تمام خواهد بود
وقتی حقیقت آشکار شود، افسوس روح تان را عذاب می دهد
سپس فاجعه و بستن دروازه آسمان روی می دهد

در مسیر در طول تور

سفر با اتوبوس هزاران مایل
یک نور خدایی بیرون آن، محافظت می‌کند
چه کسی است که می‌راند، داخل نشسته؟
افرادی موجودات را نجات می‌دهند، در تور اجرا می‌کنند

بازدید از صخره‌های سرخ

پس از زمان غیرقابل توصیفی طولانی،
آسمان و زمین پیر شده‌اند
صخره‌های سرخ هنوز
هوا و منظره خوب را دارند
اما چه کسی در معرض
ایجاد، ثبات، تباهی و انهدام قرار ندارد؟
شکل‌ها خراب شدند
و فرسوده شدند،
به‌سختی می‌توانند حتی خودشان را محافظت کنند

چشم دوختن به کوه‌ها

کوه‌ها وسیع و مه‌آلود هستند
ابرها و مه، به آسمان متصل شدند
با صعود کردن، آیا می‌دانید تا کجا رسیده‌اند؟
موجوداتی خدایی وجود دارند که در کوه‌ها نشسته‌اند

حق با چه کسی است، چه کسی اشتباه می‌کند

به‌عنوان یک تزکیه‌کننده
فرد همیشه باید به دنبال اشتباهات خود باشد
این مؤثرترین راه برای رها شدن از وابستگی‌ها است
هیچ راهی برای گریز از سختی‌ها نیست، بزرگ یا کوچک
[در طول یک تضاد، اگر بتوانید به یاد بیاورید:]
«حق با اوست،
و من اشتباه می‌کنم،»
چه چیزی برای جر و بحث وجود دارد؟

سرودها (متن آوازه‌ها)

باید بین نیکی و پلیدی انتخاب کنید

امیدوارم بتوانید از این فاجعه بگریزید
این حقیقت چیز است که در طول اعصار در انتظار آن بودید
در دنیایی مملو از فرهنگ حزب،
با دروغ‌هایی که مردم را می‌فریبد دوباره فریفته نشوید
این حیاتی است که مسیر آینده را به‌خوبی ببینید
هر فردی باید بین نیکی و پلیدی انتخاب کند
چراکه این جهان دستخوش تغییرات عظیمی است
چراکه کهن در حال متلاشی شدن است
چراکه قدم نهادن در آینده چنین آزمایشی را لازم می‌داند

انتخاب

دوست من،
آنچه می‌گویم امیدی است که از دیرباز گرامی می‌داشتید
حقیقت می‌تواند قفل افکار واقعی مردم را باز کند
با زدودن غباری که از دیرباز حافظه‌تان را مدفون کرده بود
عهدتان که در اعصار دور بستید هادی شما است تا آن را به‌انجام برسانید
با دروغ‌های مربوط به آزار و شکنجه فریب نخورید
آگاهی از حقیقت کلیدی برای زندگی‌تان است
امیدوارم که همه موجودات بتوانند از این فاجعه بگریزند
در میان نیکی و پلیدی، موجودات خدایی عهد خود را به‌انجام می‌رسانند

فرصتی در یک چشم بهم زدن

پنج هزار سال از این ماجرای عظیم،
صحنه اصلی، چین بوده است، این دشت‌های مرکزی.
تک تک دوره‌های زندگی، در حال بازپیدایی
نقش‌هایی که بازی می‌کنیم - برخی تلخ، برخی شیرین.
اغلب می‌پرسم چرا ماه کامل می‌شود،
و سفر زندگی چقدر دور خواهد بود.
می‌پرسم از کجا آمدم،
و چرا این دنیای مادی این قدر پرمخاطره است.
فا (راه) آسمان و زمین را آفرید
ما به این دنیا آمده‌ایم تا [با ایشان] پیوند بخوریم
ما باز پیدا شده‌ایم، منتظر فا بوده‌ایم،
و از طریق سختی‌ها کارمای مان را کاهش می‌دهیم.
در زمان پایان کالپا، [آن موجود] خدایی باید بیاید،
ما را نجات می‌دهد و گره از گرفتاری‌هایمان می‌گشاید.
تک تک دوره‌های زندگی برای این آرزو بود،
هزاران سال سختی کشیده‌ایم.
این فرصت نمی‌تواند ساده در نظر گرفته شود،
قدر آن را بدانید یا از دست بدهید - در یک چشم بهم زدن.

چه کسی هستیم؟

بین آسمان بیکران و زمین، چه کسی هستیم؟
به خاطر نمی‌آورم از میان چه تعداد زندگی گذشته‌ام
در میان سختی‌ها، سردرگمی عاری از کمک
قلبم، در انتظار، بسیار خسته
در اثر آب و هوا آسیب دیده، شب‌ها اشک می‌ریختم
تا لحظه‌ای که حقیقت را دیدم
تا اینکه جستجو کردم و دافا را کسب کردم
که مانند تندر در گوش‌ها نفوذ کرد
آمدم تا بفهمم چه کسی هستیم
و پی بردم باید در این مسیر خدایی گام‌هایم را سرعت بخشیم

نیک خواهی

آیا می‌دانید چرا به شما حقیقت را می‌گوییم؟
برای این نیست که بخواهم مانند من شوید
چه رسد به اینکه قصد داشته باشم سرنوشت‌تان را تغییر دهم
فقط می‌خواهم حيله‌بازی ابلیس را ببینید
به دلیل نیک‌خواهی، نمی‌توانم تاب بیاورم و ببینم که شما
به همان سرنوشت جانور سرخ دچار می‌شوید
آسمان خواهان نابود کردن جانور سرخ است
[آن موجود] خدایی مرا می‌خواند تا آنانی که اینجا زندگی می‌کنند را نجات دهم

چرا آن را رد می‌کنی؟

دوست من، آیا به خاطر می‌آوری؟
همگی ما بازدیدکنندگانی [آمده] از آسمان هستیم
در طول این همه زندگی، به انتظار چه کسی بوده‌ایم؟
و در تاریکی و ابهام در جستجوی چه چیزی بوده‌ایم؟
آیا آن عهده‌ی که قبل از نزول به این دنیا بستی
هنوز در قلبت حک مانده است؟
وقتی با حقیقت مواجه می‌شوی، چرا آن را رد می‌کنی؟
مریدان دافا خاطی نیستند
و فالون گونگ نیز اشتباه نیست
این‌طور است که موجودات خدایی در حال به‌انجام رساندن عهد خود هستند
آنچه که مردم در انتظارش بوده و نگرانش بوده‌اند همگی آشکار می‌شوند
نیک‌خواهی، حالت جاودانی [آن موجود] خدایی است
اما زمان در یک چشم‌په‌م‌زدن می‌گذرد

به حقیقت پناه ببرید

آسمان و زمین وسیع هستند،
مردم دنیا به کدام سمت می‌روند؟
گم شدند، از راه آگاه نیستند،
حقیقت، قطب‌نما است
ثروتمند و فقیر، همگی مانند هم،
وقتی فاجعه فرود می‌آید جایی نیست که پنهان شد
این تور در یک سمت باز گذاشته شده-
به سرعت به حقیقت پناه ببرید!

هر دوره زندگی برای این زندگی بود

بازپیدایی در این دنیای مادی،
توهم سرشت واقعی مردم را مهر و موم کرده است.
مریدان دافا در حال رنج کشیدن هستند،
اما آنکه نابود می‌شود موجودات ذی‌شعور هستند.
همگی موجوداتی از آسمان‌ها بودند،
که به این دنیا فرود آمدند تا به انتظار این فا باشند.
درحالی که در این دنیای مادی اقامت می‌کنید،
با دروغ‌های [حزب] فریفته نشوید
حقیقت نور راهنما است،
قدرت نجات این دنیا را دارد.
همه موجودات برای این فا آمدند،
تک‌تک دوره‌های زندگی برای این زندگی بود.

سربلندی اجازه هیچ نگاه به عقب را نمی‌دهد

چرا زندگی بشری همیشه این قدر سخت است؟
تقلا و رقابت شادی نیست.
ما از کجا آمدیم؟
درحالی که در جستجو بودیم، بجای آن، به گمراهی رفتیم.
چرا مردم در این دنیا متولد می‌شوند؟
هیچ کسی نمی‌تواند به روشنی توضیح دهد.
اما یاد گرفتن [دافا] مرا به درک عقلانی آن رهنمون کرد،
چرا این آزار و شکنجه، مریدان دافا را هدف قرار داده است؟
زیرا ما در مسیری گام برمی‌داریم که به‌طور خدایی هدایت شده.
ما فهمیده‌ایم که چرا مردم زجر می‌کشند،
مقصد زندگی را به‌وضوح درک کرده‌ایم؛
و شکل‌گیری و ثبات این کیهان را.
آموزه‌های این حزب، دیگر [برای ما] حقیقت نیست،
و این آزار و شکنجه دیگر نمی‌تواند مرا سردرگم کند.
یک ذهن درست مرا به پیمودن این مسیر خدایی رهنمون کرد،
و سربلندی، اجازه هیچ نگاه به عقب را نمی‌دهد.

این [آن موجود] خدایی است که مردم را نجات می‌دهد

مریدان دافا در حال نجات مردم هستند
هر کلمه محبت‌آمیز است، بیانگر صداقت است
الحاد، این آموزه اهریمنی، فریب و نیرنگ است
دوران سرخ راهی دروازه جهنم ابدی است
مردم در خطر، برای کمک گریه می‌کنند
چراکه جنبه آگاه‌شان خواهان بقاء است
با پخش حقیقت، موجودات را نجات می‌دهم
این [آن موجود] خدایی است که مرا فرا می‌خواند تا مردم را نجات دهم

برای تسکین نگرانی تان

زمان مانند جریان آب می‌گذرد
زندگی بشری همیشه با حزن و اندوه همراه است
تک‌تک بازپیدایی‌ها، برای چه به اینجا می‌آییم؟
تک‌تک دوره‌های زندگی، در جستجو بوده‌ایم
از آسمان‌ها می‌پرسم، اما آسمان‌ها حرف نمی‌زنند
به ماه خیره می‌شوم، سرم پر از ابهام
از که باید بپرسم تا این راز را بگشاید؟
این حقیقت می‌تواند نگرانی‌های بزرگ را تسکین دهد
در چنین دوران آشفتگی، دافا اشاعه می‌یابد
باید دلیل خوبی وجود داشته باشد

بیدار شدن

مدت‌های مدیدی، دنیای بشری یک نمایش بوده است
بازپیدایی و تولدهای دوباره، صحنه را تغییر می‌دهد
در هر دوره زندگی، نقش متفاوت است
چه تعداد قبرهای متروک، به باد و باران سپرده شد؟
به آسمان وسیع نگاه می‌کنم، اما آسمان حرف نمی‌زند
این همه احساس‌های قدردانی یا دلخوری سردرگم‌کننده هستند
برای چه کسی این نمایش بزرگ زندگی اجرا می‌شود؟
خود واقعی من کیست که اینجا آمده است؟
گسترش دافا در حال نورانی کردن جهان است
[دافا]، این گونگ خدایی، هزاران میلیون را بیدار کرده است
همان طور که این ارابه طولانی را می‌رانم، سختی‌ها مرا همراهی می‌کنند
با گفتن حقیقت، می‌شتابم تا مردم را نجات دهم
این مسیر بزرگ، تماماً به آسمان رهنمون می‌کند

فقط حقیقت می تواند نجات دهد

اخلاقیات دنیا افول کرده، وارد آخرین پاییز شده
پنج هزار سال تمدن - گل های پژمرده
قلب مردم، دیگر سنتی نیست - دنیا در هرج و مرج
وقتی فاجعه نازل می شود چه کسی می تواند ما را نجات دهد؟
در پایان کالپا، اشاعه دافا برای یک دلیل انجام می شود
این دوره تباهی بدون دائو، زیاد طول نمی کشد
خوبی یا پلیدی، راستین یا اهریمنی، در حال جدا شدن هستند
موجودات خدایی امیدوارند مردم خوب بتوانند نجات پیدا کنند
ژاله شیرین در سراسر دنیای بشری پخش می شود
حقیقت، کلماتی از جانب [آن موجود] خدایی، دنیا را پر کرده است
تور در یک سمت باز گذاشته شده - عجله کنید تا به آن پناه ببرید
فقط حقیقت می تواند نجات دهد

از حقیقت آگاه شوید

در حالی که گذر هزاران سال را تجربه کرده
در دنیای مادی گم شده، تقلا و رقابت
در میان واقعیات اغواکننده
عهد بسیار کهن فراموش شد
این دافا که تمام موجودات در انتظار آن بوده اند، مورد افترا قرار گرفته
چرا به آتش سوخت اضافه کنید؟
موجودات خدایی در حال باز گذاردن تور در یک سمت هستند
حقیقت می تواند قفل سردرگمی و ابهام را بگشاید
به تردید و دودلی ادامه ندهید و زمان را تلف نکنید
خود واقعی تان را فرا خوانید
از گرداب فریب بیرون بیایید
از حقیقت آگاه شوید
چراکه این همان اطمینانی است که مدتها در انتظار آن بوده اید

ما می دانیم

ما می دانیم که جهان دنیوی دهها هزار ساله
برای انتظار بوداها و موجودات خدایی بود
برگ آخر تاریخ وارد شده
درخشش حقیقت، نیک خواهی، بردباری منور می کند
کوه های بلند و دریا های وسیع را
رزم بین نیکی و پلیدی آشکار می شود، روح را برمی انگیزاند
آزار و شکنجه صرفاً رفتار پرشکوه مریدان دافا را هویدا می کند
در حالی که رنج می کشم هنوز موجودات ذی شعور را نجات می دهم
ای مردم دنیا که گم شده اید:
باید درست را از اشتباه تشخیص دهید
حقیقت رهایی بخش است
حقیقت امید است
این قلب رحمت عظیم است
دوران جدید در حال آشکار شدن است، در میان رحمت عظیم و باشکوه

باعث نشوید برای تان تأسف بخورم

چرا هنوز به دروغ های [حزب] باور دارید
و به رد کردن فراخوان موجودات خدایی ادامه می دهید؟
ای موجوداتی که گم شده اید:
صمیمانه برای شما به طور عمیقی متأسفم
خواه رابطه کارمایی داشته باشید یا نداشته باشید
در سکوت برای شما دعا می کنم
امیدوارم به زودی حقیقت را به وضوح ببینید
امیدوارم از این فاجعه به سلامت بگذرید
تا وقتی بگذارید وجدان تان پیشداوری را پشت سر گذارد
فردایی زیبا خواهید داشت
منتظر نمانید تا وقتی که برای ندامت بیش از حد دیر باشد
نگذارید این افسوس و پشیمانی، افسوسی ابدی شود

برای چه کسی هستیم؟

برای چه کسی روز و شب مشغول هستیم؟
به نظر می‌رسد فقط برای سرنوشت است
درواقع این یک درک جامع پس از فهمیدن حقیقت است
این آزار و شکنجه فقط می‌تواند پلیدی و خوبی را نشان دهد
برای چه کسی این [دفتربه‌های] حقیقت در دستان مان را آماده کردیم؟
به نظر می‌رسد برای این است که این افترای شکنجه‌گران را به‌طور کامل ببینید
که مردم را راهی جاده ویرانی می‌کند، تا با ح.ک.چ دفن شوند
یکبار که نسبت به قانون بودا دشمنی بورزید، هیچ امیدی برای نجات نیست
چرا از شما می‌خواهیم این حزب اهریمنی را به‌طور واضح ببینید؟
برای این نیست که در امور سیاسی برتری جوییم
چرا ح.ک.چ همیشه شهروندان مان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد؟
این حقیقت، کیفیت شکنجه‌گر را دقیقاً برملا می‌کند
هر کاری که انجام می‌دهیم به‌خاطر خود شماس
بدون توجه به اینکه این آزار و شکنجه چقدر اهریمنی باشد
ما درحال پیمودن مسیر خدایی هستیم
آن مردم دنیا که در شعله‌های آزار و شکنجه می‌دمند، ساده‌لوحان گم‌شده هستند
در بحبوحه خطر، [آن موجود] خدایی ما را فراخواند تا مردمی که در اینجا زندگی می‌کنند را نجات دهیم

برای تو آواز می‌خوانم

ای دوست، از صمیم قلب برایت آواز می‌خوانم
پنجاه سال دروغ می‌تواند یک دیوار سرخ بنا کند
این راهزن می‌تواند برای درخشش پنج‌هزار سال تمدن، کسوف ایجاد کند
اما هرگز نمی‌تواند به حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری دست بزند
به این سادگی شایعات یک‌طرفه سخنگوی حزب را باور نکن
درستی و اشتباه باید با نیک‌خواهی خودت سنجیده شود
وقتی از حقیقت آگاه شوی
آن امیدت برای نجات خواهد بود
ای دوست، آنچه می‌خوانم حقیقت است
[آن موجود] خدایی تک‌تک افراد را ارزیابی می‌کند
در تاریخ، غرق شدن در انحراف و کژراهی تماماً یکسان بوده
آنچه نابود می‌شود سلسله فاسد است
آنچه دوباره رواج می‌یابد نیک‌رفتار و مهربان است
از گمراهی ناشی‌شده از دروغ‌ها بیرون بیا
با آن راهزن سرخ مدفون مشو
این حقیقت، نجات مرحمت‌آمیز است
آگاهی از حقیقت امیدی برای نجات است

درک‌شده یا از دست‌رفته، در یک فکر

زندگی بشری صرفاً صدسال است
بیشترش غم و تلخی است تا شیرینی
وقتی به عقب نگاه کنید، چه کسی محزون نبوده؟
یک عمر طلب و خواستن
یک عمر نگرانی و اندوه
چند نفر می‌دانند که هر چیزی دلیلی دارد؟
این الحاد است که عمیقاً به مردم آسیب می‌رساند
بشریت [به آستانه] خطر رسیده
حقیقتی که مردم را نجات می‌دهد درست در مقابل چشمان است
تقلا و رقابت برای شهرت و ثروت
چشم مردم را کور کرده
هدف واقعی از آمدن به این دنیا را فراموش کرده‌اند
این فرصت تنها فرصت است، [گذشته یا آینده]
درک شود یا از دست برود- فقط به یک فکر شما بستگی دارد

توجه کنید

در این باد سرد سوزان به شما این [برگه] حقیقت را می‌دهم
از روی نادانی یا گیجی، چنان رفتار می‌کنید گویی مرا نمی‌بینید
در آستانه فاجعه، موجودات جایی برای رفتن ندارند
شاید این [برگه] همان امیدی است که در انتظارش هستید
در گرمای تابستان حقیقت را به شما می‌دهم
فریب، شما را مقابله‌گر می‌کند
دروغ‌های حزب اهریمنی را باور نکنید
آنها نیرنگ‌هایی هستند تا در بحبوحه خطر مردم را ویران کنند
میریدان دافا در حال نجات موجودات هستند
در آن [برگه] حقیقت، امیدی نهفته است که از مدت‌ها پیش در انتظار بودید
در تک‌تک تولدهای دوباره، این انتظار در میان سختی، اندوه‌آور بوده
جهان دنیوی و دریای امیال پایانی ندارد
همگی برای این برگه کاغذ که به‌نظر عادی می‌رسد!

نشان دادن مسیری از امید به شما

با باد و باران متوقف نمی‌شویم، همگی برای چه کسی؟
در خیابان می‌خوریم و می‌خواهیم، همگی برای چه کسی؟
ایستاده در پیاده‌رو، میریدان دافا
برگه‌های در دست، نیک‌خواهی و تلاشی سخت را در خود دارند
فقط برای این است که شما را از فاجعه نجات دهد
فقط با دیدن حقیقت است که می‌توانید به‌طور شفاف آینده را ببینید
ما هیچ چیزی در عوض نمی‌خواهیم
صرفاً آرزو داریم به شما مسیری از امید بدهیم

همگی برای این فامند

همه موجودات برای این فامند
در انتظار باز شدن دروازه‌های آسمان
موجودات خدایی درحال اشاعه دافا هستند
این جانور سرخ مردم را بد می‌کند
مردم دنیا باید آگاه شوند
نیکی و پلیدی درحال متمایز شدن هستند
حقیقت درحال نجات مردم است
چرا توجه نمی‌کنید؟
این انتظار نباید طولانی شود
و آنچه از دست می‌رود، هرگز بر نمی‌گردد

پخش ژاله شیرین

یک آواز همراه با نیک‌خواهی، ژاله شیرین پخش می‌کند
موجودات ذی‌شعور را به نجات یافتن برمی‌انگیزاند
در این دنیای بشری زاده شد تا در انتظار فامند
نگذارید دروغ‌ها سفرتان به خانه را مسدود کنند
صدای آواز، غبار سردرگمی را می‌شکافد
با فراخواندن افکار واقعی، شاید نیکی را از پلیدی تشخیص دهید
بشتابید تا به حقیقت پناه ببرید تا قفل قلب‌تان را بگشاید
عهدتان را به‌انجام برسانید و سفرتان به خانه را شروع کنید

بگذارید عقل و منطق فائق شود

همراه با افول اخلاقیات در این دنیا غرق نشوید
خود را با توهمات در این اجتماع بشری به دردسر نیندازید
شکوه زمینی هرگز دوام نمی‌آورد
وقتی بیدار شوید، در عقل و منطق را می‌گشاید
اکثر موجودات از آسمان بالا می‌آیند
و فقط به‌خاطر اینکه در این دنیای فانی بیش از حد گم می‌شوند
نیک‌خواهی بودا نشان داده شده است
آنچه در انتظار آن بوده‌ایم، لرد خداوندگار است که دنیا را نجات می‌دهد

بیش از این تردید و دودلی نداشته باشید

هزاران سال بازپیدایی
در سردرگمی، مردم سرچشمه خود را نمی‌دانند
یک دوره زندگی پس از دیگری، سردرگم و سرگشته
مردم زندگی می‌کنند بدون دلیل روشنی برای علت آن
دنیای بشری، اعصار بسیار دور، نظم و ترتیب [آن موجود] خدایی بود
اکثر موجودات از آسمان بالا هستند
آنکه در انتظارش بوده‌ایم، در سرگستگی و سردرگمی، لرد نجات‌دهنده است
آنچه از ته دل آرزو می‌کردیم باز شدن دروازه‌های آسمان بود
لرد آفریننده مدتهاست که وارد شده
حقیقتی که مریدان دافا پخش می‌کنند می‌تواند توهم را پاک کند
از این فرصتی که در طول اعصار شکل گرفت استفاده کنید
و بیش از این تردید و دودلی نداشته باشید

بیدار شده

پس از وارد شدن به دنیای بشری، هزار پاییز گذشته
چرخه تولد، پیری، بیماری، مرگ هرگز متوقف نشده
عزت، شهرت، ثروت و دستمزد را نمی‌توان همراه خود برد
رقابت و تقلا درد و نگرانی ایجاد می‌کنند
به چه دلیل بارها و در مکان‌های زیادی باز پیدا شده‌ایم؟
فرد اغلب از خود می‌پرسد دلیل چیست
دروغ‌ها را درهم شکنید و به حقیقت پناه ببرید
دافا می‌تواند نگرانی‌های در قلب فرد را از بین ببرد

عهدی که با [آن موجود] خدایی بسته شد باید به انجام برسد

پنج‌هزار سال تمدن، همان نوشته [متن نمایش] است
هزاران مایل کوه و رود، صحنه بزرگ است
ساکنین چین، کشور مرکزی، این نمایش عظیم را اجرا می‌کنند
فرهنگ اهداشده خدایی از آسمان بالا بود
در دوران باشکوه، شیوه‌های تفکر شکل گرفت
در روزهای پررونق، موجودات خدایی شکوه خود را نشان دادند
آفرینش دنیای بشری برای هموار کردن راهی برای برگشت به آسمان‌ها بود
ما از ته دل آرزوی بازگشت [آن موجود] خدایی را داشته‌ایم
[آن موجود] خدایی ما را فرامی‌خواند تا به سرعت بیدار شویم
راه برگشت به آسمان‌ها آشکار شده
فایی که مردم را نجات می‌دهد به‌طور گسترده‌ای اشاعه یافته
افکار و تصورات کهن همگی موانع هستند
آیا عهدتان را به یاد می‌آورید؟
عهدی که با [آن موجود] خدایی بسته شد باید به سرعت به انجام برسد
از حقیقت آگاه شوید تا قفل قلب‌تان را باز کنید
زمان هرگز منتظر نمی‌ماند!

حقیقت در حال پخش شدن است

لطفاً این پیوند تقدیری را گرامی بدارید
امید بسیار قدیمی‌تان در درون حقیقت نهفته است
در لحظه خطر و فاجعه، هر کسی انتخابی می‌کند-
از بین برود یا به مهربانی بازگردد
شاید واقعاً یک رابطه کارمایی داشته باشیم
نیک‌خواهی به من اجازه نمی‌دهد شما را در خطر رها کنم
سال‌های طولانی می‌تواند حافظه فرد را با گرد و غبار بپوشاند
مردم فراموش می‌کنند چه کسی هستند،
خانه واقعی‌شان کجاست،
و چه زمانی به این دنیای بشری آمدند
آگاهی از حقیقت می‌تواند سردرگمی و ابهام را بزدايد
آنچه موجودات در انتظارش بودند و نگران آن بودند تماماً وارد شده
عهد موجودات خدایی در حال به انجام رسیدن است

حقیقت همان نور راهنماست

موج بزرگ غبار دنیوی موجودات را سردرگم می کند
در بحبوحه شهرت، ثروت و احساسات همه می جنگند
آنچه با عمری کشمکش به دست می آید، نمی تواند همراه برده شود
اضافه کردن سوخت به آتش، خود فرد را در دام می اندازد
اکثر موجودات بازپیداشدگان موجودات خدایی هستند
به این دنیا فرود آمدند تا منتظر فا باشند
سوگندهای خدایی در حال به انجام رسیدن هستند
از حقیقت فالون گونگ آگاه شوید

در انتظار فا

هر تولد دوباره و هر دوره زندگی، همگی در بازپیدایی
گل ها پژمرده و شکوفا می شوند، زندگی پس از زندگی دیگر
در یک چشم بهم زدن، موی سیاه سپید می شود
تقلا و رقابت، فرد را دست خالی رها می کند
شهرت، ثروت، احساسات و علایق همگی بیهوده هستند
اما از دوران کهن همه به خاطر آنها جنگیده اند
زندگی بشری شبیه یک نمایش است
نادان یا دیوانه، فرد چنان زندگی می کند گویی واقعی است
من و شما موجوداتی از آسمان بالا هستیم
فرود آمدیم تا بشر باشیم و در انتظار فا باشیم
مردان دافا حقیقت را اشاعه داده اند
و حقیقت می تواند راه به سوی خدایی بودن را بگشاید

انتخاب خود فرد

سال ها مانند رودی بزرگ به سرعت می گذرند
این اعصار بازپیدایی برای چه بود؟
ناخواسته حرکت با این جریان
همیشه حسی از جستجو در زندگی
دافا در پنج قاره اشاعه یافته
آگاهی از حقیقت می تواند هزاران نگرانی را از بین ببرد
نیکی یا پلیدی، راستین یا اهریمنی - این انتخاب خود فرد است
این فرصت اعصار، برای همیشه اینجا نخواهد بود

هرگز مسیر را گم نکنید

دوست من، چرا این چنین شتابان هستی؟
این فلایر موضوعی از زندگی و مرگ است
مغلوب دروغ‌ها مشو
اینکه به آرامی از ذره‌ای حقیقت آگاه شوی هیچ ضرری ندارد
در نمایش بزرگ تاریخ، زندگی بشری فقط یک صحنه موقت است
شهرت، ثروت، احساسات و نفرت نمی‌توانند به آسمان برده شوند
آنچه در وابستگی‌ها غرق است و رشد می‌کند، نگرانی‌هایی هستند که دل را به پیچ و تاب می‌آورد
چرا در این دوره زندگی بدنی بشری داریم؟
دافایی که همگی در انتظار آن بوده‌اند به طور وسیعی در دنیا در حال اشاعه است
فقط آگاهی از حقیقت است که می‌تواند باعث شود سردرگم نشوید

چه کسی می‌تواند آن را کسب کند؟

ساعت‌ها یا روزها، یک زندگی بشری چقدر طول می‌کشد؟
همیشه مشغول، نگرانی‌ها بیشتر از لذت‌ها
جستجو در پس و پیش، راه کجاست؟
وقتی کسی در سختی می‌افتد، مست می‌کند و آواز می‌خواند
آن جانور سرخ از غرب، هرج و مرج را به چین آورد
اخلاقیات دنیا مانند ریزش کوه سقوط می‌کند
اشاعه وسیع دافا موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد
از حقیقت آگاه شوید تا وهم‌اندیشی‌ها را درهم شکنید
تشخیص درست از اشتباه، امید است
چسبیدن به توهمات، فرد را در مارپیچی به سمت پایین می‌برد
این فرصت اعصار را از دست ندهید
عهدی که شما را به این دنیا آورد را به‌انجام برسانید

نیکی را از پلیدی تشخیص دهید

نمایش بزرگ هزاران ساله شبیه یک رؤیا است
درباره این نیرنگ، بیش از حد نگران نباشید
وقتی موسیقی متوقف و نمایش تمام می‌شود، کجا باید بروید؟
عجله کنید به حقیقت پناه ببرید و به این سردرگمی خاتمه دهید
دافایی که مردم را نجات می‌دهد به‌طور وسیعی در حال اشاعه است
دروغ‌های این جانور سرخ دوباره شکسته می‌شود
از حقیقت آگاه شوید و نیکی را از پلیدی تشخیص دهید
ابراهای تیره ناپدید می‌شوند، آسمان فرخنده آشکار می‌شود

به آرامی نظری بیندازید

هرج و مرج در این دنیا، مانند یک ساختمان در حال نوسان
فاجعه نزدیک می‌شود و مردم از آن آگاه نیستند تا نگران باشند
سرشان را تکان می‌دهند و دست‌شان را حرکت می‌دهند، حقیقت را رد می‌کنند
کلمات خوبِ خالصانه، آنها را وا نمی‌دارد که تجدیدنظر کنند
ما در عوض، چیزی درخواست نمی‌کنیم و در طلب چیزی نیستیم
آن برای این است که وقتی فاجعه وارد می‌شود نجات پیدا کنید
فراموش نکنید چرا به این دنیا آمدید
دلایلی برای سال‌ها بازپیدایی وجود دارد
زندگی به احساسات و تنفر خلاصه نمی‌شود
ذهن‌تان را آرام کنید و نگاهی بیندازید
فایی که همه موجودات در انتظار آن بوده‌اند وارد شده
حقیقت، به سردرگمی و نگرانی‌تان خاتمه می‌دهد

کدام سمت را انتخاب کنید

بازپیدایی و تولدی دوباره در این دنیای بشری
در حال تحمل درد، انتظار کشیدن برای [آن موجود] خدایی که ما را نجات دهد و به آسمان‌ها برگرداند
همگی می‌دانند که [آن موجود] خدایی باید در انتهای کالپا بیاید
وقتی حقیقت را می‌بینید، رو بر نگردانید
در چین، این دشت‌های مرکزی، همگی می‌دانند که این حزب سرخ، اهریمنی است
نباید به این اهریمن کمک و سختی‌های بیشتری اضافه کرد
موجودات خدایی می‌آیند تا نجات دهند، با مزاحمت همراهی می‌شوند
آن برای این است که دیده شود مردم دنیا کدام سمت را انتخاب می‌کنند

نور راهنما

اکثر موجودات از آسمان‌ها هستند
هیچ انتخابی ندارند، جز اینکه در سردرگمی مهر و موم شوند
قادر نیستند آن آرزوی عظیم‌شان قبل از فرود به این دنیا را به‌خاطر بیاورند
برای پول و دارایی‌های مادی می‌جنگند و رقابت می‌کنند
هر چه یک عمر جمع کردند نمی‌تواند همراه برده شود
جنگیدن و رقابت کردن، به دست‌هایی خالی منتهی می‌شود
گرد و غبارِ پایان کالپا فرونشسته است
فاجعه نزدیک است، مردم دنیا در توهم
آنها نیکی و پلیدی را با هم اشتباه می‌گیرند، [آن موجود] خدایی را خشمگین می‌کنند
فقط مریدان دافا در حال نجات مردم هستند
آگاه شدن از حقیقت می‌تواند زندگی‌تان را نجات دهد
فقط حقیقت، نور راهنما است

امید هست

چند بار باد وزیده و باران باریده؟
و چه تعداد اقیانوس و دشت در طول اعصار مکان خود را تغییر داده؟
زمان مانند رود می‌گذرد، رویدادهای گذشته فقط به این رؤیا می‌افزاید
بازپیدایی در طول هزاران سال، در انتظار چه کسی بوده‌اید؟
و هدف واقعی زندگی کجاست؟
با تقلا و کشمکش در تمام راه، بدن و ذهن مجروح شد
آیا عهدی که قبل از فرود به این دنیا بسته شد به کلی فراموش شده؟
اکثر موجودات ذی‌شعور بازدیدکنندگانی از آسمان‌های بالا هستند
بدون هیچ راهی برای برگشت به آسمان‌ها، چه کسی می‌تواند کمک کند؟
با شکل دادن به دنیا و تمام مخلوقات، [آن موجود] خدایی قواعد کیهانی را وضع می‌کند
در پایان کالپا، [آن موجود] خدایی مردم خوب را نجات داده و آنها را به آسمان‌ها برمی‌گرداند
دافایی که مردم را می‌رهاند هم‌اکنون در حال اشاعه است
از حقیقت آگاه شوید تا این مه آشکار را پاک کنید

بازگشت به دروازه‌های آسمان

موجوداتی از بالا اینجا هستند تا موجوداتی فانی باشند
به محض ورود به این سردرگمی، راحت است که در انحراف غرق شد
تولد، پیری، بیماری و مرگ، مصیبت و رنج‌های زمینی هستند
بار زندگی بشری واقعاً سنگین است
این لرد خداوندگار بود که دنیا و تمام مخلوقات را آفرید
این دنیای فانی آفریده شد تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهد،
فقط به این خاطر که رنج کشیدن می‌تواند گناهان را پاک کند
سپس فرد ممکن است دافا را به دست بیاورد و به دروازه‌های آسمان برگردد

به مردم دنیا

شما وارد این دنیای فانی شدید، بدن بشری به تن کردید
هزاران سال بازپیدایی برای این بود که در انتظار لرد آفریدگار باشید
با درد و رنج انتظار کشیدید برای این پیوند مقدس، اراده‌تان نامتزلزل
به آرامی، دنیای آشفته و از بین رفتن دوران سرخ را مشاهده می‌کنید
فای راستین اشاعه خود را شروع کرد، و اهریمن گرد و خاک به پا کرد
دروغ‌ها اذهان را سردرگم کرد، وارد شدن به در [دافا] را سخت کرد
نجات مرحمت‌آمیز، حقیقت است
موجودات خدایی، فالون را چرخانده‌اند

بازگشت به آسمان همان ساحلی دیگر است

قرن‌ها انتظار
اشتیاق هزاران ساله
موجودات خدایی به این دنیای بشری آمده‌اند
موجودات ذی‌شعور آنها را با خوشی دنبال می‌کنند
[موجودات خدایی] فا را اشاعه می‌دهند تا مردم را نجات دهند
دروغ‌های جانور سرخ در حال از هم پاشیدن است
حقیقت، سردرگمی و ابهام را می‌زداید
[بسیاری از مردم] نجات پیدا کرده و از این فاجعه رهایی یافته‌اند
اگر قصد تمرین دافا را داشته باشید
بازگشت به آسمان همان ساحلی دیگر است

آوازه‌های تور

مواجهه با باد و گرد و غبار در تمام مسیر، آواز خواندن در تمام اوقات
ما به اصلاح فای استاد کمک می‌کنیم، مسافت‌های طولانی می‌پیماییم
افکار درست می‌تواند موجودات ذی‌شعور را نجات دهد
آوازه‌های پرشور امواج شوکه‌کننده می‌فرستد، باعث حرکت سریع ابرها می‌شود
مواجهه با باد و گرد و غبار در تمام مسیر، آواز خواندن در تمام اوقات
گذر از دریاچه‌های بزرگ و عبور از شیب‌های تند
شرق، غرب، جنوب و شمال، ژاله شیرین پخش می‌کنیم
حقیقت را با خود داریم، آن را به سراسر دنیا اشاعه می‌دهیم
مواجهه با باد و گرد و غبار در تمام مسیر، آواز خواندن در تمام اوقات
آوازه‌های شاد، رقص زیبا و آلات موسیقی باستانی
وقتی پرده بزرگ بالا می‌رود، قلمرویی آسمانی است
موجودات خدایی در اجرا به ما کمک می‌کنند، می‌رقصیم و آواز می‌خوانیم

رهنمون به قرنی نو

آفرینش دنیا و باز کردن آسمان برای اجرای نمایشی عظیم
خورشید و ماه نه آسمان، پس زمینه هستند
برای چه پس از هر بازی فاجعه‌ای هست؟
برای این است که دنیا را جایگزین کرد، و آسمان و زمین را تغییر داد
آسمان و زمین از میان دوره‌ای طولانی گذشته‌اند و حال و هوای راستین از دست رفت
پس از ایجاد، ایستایی و فساد، انهدام نزدیک است
دافا می‌تواند موجودات ذی‌شعور را نجات دهد
حقیقت دری به سوی قرنی جدید می‌گشاید

یگانه امید

سال‌های بسیار طولانی، ایجاد و شکل‌گیری بود
پنج هزار، شکوه و غوغا بود
تاریخ، هویدا شدن را متوقف کرده
چراکه برپایه آفرینش و انهدام بنا شد
اکنون بدون امید است
لرد آفریدگار مردم دنیا را فراموش نکرده است
اما شما باید در سردرگمی از حقیقت آگاه شوید
مردمان دافا یگانه امید برای نجات مردم هستند

آرزوی تان چیست؟

احساسات یک تور است: هرچه فرد بیشتر تقلا کند، تنگ‌تر می‌شود
شهرت و منفعت، مردم را در سراسر زندگی‌شان محکم می‌پیچاند
در بحبوحه وابستگی‌ها عمیقاً آسیب می‌بینند
آرزوی واقعی انسان چیست؟
زندگی به معنی رقابت و برتری‌جویی نیست
موجودات خدایی در حال کنار زدن خطر و فاجعه هستند
این زندگی به معنی ملاقات با لرد آفریننده است
این چیزی است که در هر تولد و هر دوره زندگی به دنبال آن بوده‌اید

فراخوانده شده از سوی [آن موجود] خدایی برای پخش حقیقت

منتظر نمانید تا اینکه زمین واژگون و غرق شود
اجازه ندهید بالای آسمانی سراغ‌تان بیاید
با افول اخلاقیات دنیا، به آتش ندمید
آنهایی که قابل نجاتند باید کسانی باشند که هنوز وجدان دارند
[آن موجود] خدایی مردم این دنیا را فراموش نکرده است
دروغ‌های سخنگوی آزار و شکنجه را باور نکنید
این همان [موجود] خدایی است که مریدان دافا را فراخواند تا حقیقت را پخش کنند

به راه راست هدایت کردن

به آن سخنگویان دروغگو زیاد اعتماد نکنید
هر آزار و شکنجه‌ای با نفرتی تحریک‌کننده شروع می‌شود
همه می‌دانند که حزب سرخ، رذل است
اما خون ۸۰ میلیون بی‌گناه
شما را بیدار نکرده و تفکر شما را به راه راست هدایت نکرده است
زندگی منحط و بی‌ارزش و غرق‌شده در فرهنگ حزب نداشته باشید
وقتی در آتش آزار و شکنجه می‌دمند تحریک نشوید
به‌طور عقلانی از حقیقت آگاه شوید
حقایق، قلب‌تان را مبهور و روح‌تان را شوکه می‌کند

[آن موجود] خدایی مرا فرامی‌خواند تا به خاطر شما عجله کنم

چرا از شما درخواست می‌کنم از حقیقت آگاه شوید؟
اکثر مردم از آسمان بالا هستند
بازگشت به آسمان آرزوی شما است
کشتی فا که دنیا را نجات می‌دهد بادبان را برافراشته است
آنچه را که هزاران سال در انتظارش بودید، از دست ندهید
دروغ‌ها حقیقت را می‌پوشاند تا شما را سردرگم کند
قبل از اینکه فاجعه نازل شود، باید بگذارم آگاه شوید
مردم دنیا گوسفندان قربانی‌اند
بدون توجه به اینکه چقدر زجر می‌کشیم، در مسیری خدایی هستم
این [آن موجود] خدایی است که مرا فرامی‌خواند تا به خاطر شما عجله کنم

تأسف کمکی نخواهد کرد

یک موجود فقط یک دوره زندگی ندارد
در تک‌تک دوره‌های زندگی، فرد در حال ایفای نقش است
از موضوع اصلی نمایش پیروی می‌کند
از محلی به محلی دیگر، از قرن‌ها گذشتیم
این سلسله سرخ برای دنیا هرج و مرج به‌بار آورده
اعتقاد نادرست، آموزه شده
دروغ‌ها مردم را فریفته
کمک مردم به اهریمن، رودرروی اراده آسمان قرار گرفته
تور در یک سمت باز گذاشته شده
آنهايي که از فریب پیروی می‌کنند، [آن موجود] خدایی آنها را رها می‌کند
اینکه بماند یا برود را خود فرد انتخاب می‌کند
ساعت آخر نزدیک است
در تک‌تک دوره‌های زندگی، فرد در انتظار [آن موجود] خدایی بوده
اگر کسی آن را از دست بدهد، تأسف به‌هیچ شکلی کمک نخواهد کرد

ارائه حقیقت به شما

هزاران لرد و انواع بوداها به این دنیا فرود آمدند
به استاد کمک می‌کنند تا مردم دنیا را نجات دهد
دافا در سراسر دنیا اشاعه می‌یابد
پیوند کارمایی شکل می‌دهد، بدون توجه به ثروتمند یا فقیر بودن
مردم نیک‌خواهی را تمرین می‌کنند
و حزب اهریمنی از آن نفرت دارد
سرکوب‌ها متناوب بوده
کلمات فریب‌آمیز آسمان را پوشانده
برای موجودات ذی‌شعور سخت است که تشخیص دهند
اینجا ما به شما حقیقت را ارائه می‌کنیم

به‌انجام رساندن عهد

قبل از فرود به این دنیا، ما به یکدیگر قول دادیم
هر کسی که ابتدا فا را کسب کرد باید دیگری را پیدا کند
من حقیقت را به شما ارائه می‌دهم، اما چرا آن را رد می‌کنید؟
از فالون قانون بودا چقدر می‌دانید؟
از دروغ‌های آزار و شکنجه به‌طور احمقانه پیروی نکنید
حقیقت گنجی است که برای تان نجات را به ارمغان می‌آورد
من درحال به‌انجام رساندن عهد خود هستم
نجات مردم قبل از فاجعه، مسابقه با زمان

هدف از زندگی

رود طویل زندگی، هزاران موج
صدها سلسله، هریک با بقایای فرهنگی مختلف
افراد بزرگی که باد و ابرها را برانگیختند چه تعداد بودند؟
تپه‌ای از خاک [به‌جای مانده]، قهرمان را همراهی می‌کند
چه وقت این بازپیدایی و تولد دوباره پایان می‌یابد؟
چرا آسمان وسیع این قدر عظیم است؟
موجودات بشری از مکان‌های زیادی گذشتند، تا در انتظار این فا باشند
فا را کسب کنید و به آسمان‌های بالا برگردید

معنی زندگی چیست؟

صد سال از زندگی بشری، برای چه کسی این قدر مشغول؟
شهرت، ثروت و احساسات نسبت به خانواده اضطرابی عمیق ایجاد می کند
وقتی موسیقی متوقف و نمایش تمام شود، چه کسی هستیم؟
آسمان صحبت نمی کند، ما را سردرگم می گذارد
دافا در اطراف شما در حال اشاعه است
از حقیقت آگاه شوید تا شما را از مسیر گم شده هدایت کند
ما مردم را بیدار می کنیم تا بتوانند نیکی را از پلیدی تشخیص دهند
و خود واقعی شان را بیابند تا به آسمان ها بازگردند

آرزوی شدید

ماه کامل در آسمان معلق است
سرزمین، سیمین گون روشن است، تماماً ساکت است
این صحنه مرا به تعجب وامی دارد
در اعصار پیش، کجا بودم؟
برای چه به این دنیا آمدم؟
فرزندگان گفتند از آسمان ها آمدیم
و [آن موجود] خدایی ما را به خانه می برد
باور دارم که آن درست است
چراکه قلبم از ته دل این را می خواسته

در مقابل چشمان تان

قرن ها سرگردان در این دنیا
از مکانی به مکانی دیگر، بازپیدایی، بدون توقف
تجربه جابجایی سرزمین ها و اقیانوس ها در طول اعصار
در جستجوی دائوی راستین
اکنون حقیقت، درست در مقابل چشمان شماست

چه کسی می‌تواند به من بگوید؟

چه کسی می‌تواند به من بگوید
معنی زندگی چیست؟
صد سال مشغول شهرت، احساسات، ثروت
بعد ناگهان بیماری، پیری، پوچی
در سردرگمی، آوازی شنیدم
موجودات خدایی به این دنیا آمده‌اند
از حقیقت آگاه شوید و فرد می‌تواند نجات یابد!

آواز در قلبم

از قلبم آوازی می‌خوانم
واقعاً هدف از زندگی بشری چیست؟
با وابستگی‌های بسیار زیاد و حس ضرر بسیار زیاد
فردا ممکن است همان اشتباه را تکرار کنم
آن فرد مقدس اسطوره‌ها وارد شده‌اند
نام ایشان چیست؟
می‌خواهم از ایشان معنی زندگی را بپرسم
می‌خواهم خود واقعی‌ام را پیدا کنم
می‌خواهم به‌سوی نوری که ایشان اشاره کرده‌اند بروم
می‌خواهم ایشان آوازم را بشنوند

مسیر آسمان

مردم دنیا اکثراً موجوداتی خدایی آسمان هستند
به این دنیا فرود آمدند تا در انتظار متون طلایی باشند
اما به‌خاطر اینکه این دنیای فانی بیش از حد پرمخاطره است
در گودال افتادند، در طلب شهرت و ثروت
در ابتدا، با چه کسی عهدی امضاء کردید؟
خانواده شما در پادشاهی آسمانی بسیار نگرانند
شهرت، ثروت، احساسات و خصومت - همگی در آخر پوچ هستند
در جستجوی حقیقت بشتابید، همان مسیر به‌سوی آسمان

چقدر سخت است شما را نجات داد

مسیر خدایی به دروازه‌های آسمان رهنمون می‌کند
چه تعداد از مردم می‌توانند به این پی ببرند؟
دروغ‌ها دید را تیره کرده‌اند
مردم باور ندارند [آن موجود] خدایی آمده
هشتاد میلیون قبر، روح‌های بی‌گناه
پنج‌هزار سال تمدن به آتش کشیده شد
چرا وجدان‌تان را مورد بررسی قرار نمی‌دهید؟
[آن موجود] خدایی درحال چرخاندن فالون است
میریدان دافا خون بر خاک ریختند-
این برای خاطر موجودات ذی‌شعور است
چقدر سخت است شما را نجات داد

پخش کلمات حقیقی

از زمان آفرینش سه‌قلمرو، ۲۰۰ میلیون سال گذشته
آسمان و زمین از زمانی طولانی گذر کرده‌اند، و به‌سختی بتوان این سال‌ها را شمرد
اقیانوس‌ها و دشت‌ها اغلب جایگزین یکدیگر شدند
هر سلسله‌چهره جدیدی به خود گرفت
آفرینش دنیای بشری برای هموار کردن راهی به‌سوی آسمان بود
اما اهریمنان، دنیای بشری را نابود می‌کنند، فاجعه‌ای پس از فاجعه‌ای دیگر
اخلاقیات دنیا فاسد شده، اما دافا اینجا اشاعه می‌یابد
این برای نجات دنیا قبل از پایان کالپا است
همه موجودات در انتظار [آن موجود] خدایی هستند برای نجات
میریدان دافا درحال پخش کردن کلمات حقیقی هستند

جستجو

در سراسر دنیا سفر کرده‌ام
قلب بی‌قرارم هنوز درحال جستجو است-
سرچشمه زندگی کجاست؟
چرا به‌نظر می‌رسد مردم درحال ایفای نقش در یک نمایش هستند؟
می‌خواهم معنی حقیقی زندگی را پیدا کنم
به‌هیچ‌وجه موجودات بشری برای شهرت و ثروت ساخته نشدند
تا وقتی که مهربانی و وجدان را حفظ کنیم
[آن موجود] خدایی ما را رها نمی‌کند

نجات دادن و برگرداندن شما به آسمان

در مواجهه با حقیقت، چرا رو برمی گردانید؟
برای این نیست که شما را از آن موجود خدایی که به آن باور دارید [به باور دیگری] تبدیل کنم
چه رسد به اینکه بخواهم شما را مانند خودم کنم -
آن به این بستگی دارد که آیا چنین پیوند کارمایی دارید یا خیر
در بحبوحه خطر، مردم را نجات می دهیم، به خاطر عهده‌ای که در گذشته بستیم
شما به [آن موجود] خدایی التماس کردید که شما را نجات دهد و به آسمان برگرداند
اما اکنون آن قدر گم شده‌اید که این فراخوان را رد می کنید
مسیری که مریدان دافا به شما نشان می دهند، شما را به بیراهه نمی برد، مطمئن باشید

دعوت از شما قبل از فاجعه

برای این نیست که در عوض، چیزی بخواهیم
برای این نیست که شما را مذهبی کنیم
چه رسد به اینکه برای قدرت و پول باشد
حقیقت چیزی است که پیش‌بینی نمی کردید
از شما دعوت می کنم که قبل از فاجعه
به من گوش کنید تا حقیقت را بگویم
و دیگر ابلیس، خبیثانه به شما نخواهد خندید

معنی زندگی چیست؟

زمانی از ته دل و به شدت در جستجو بودید
وقتی خوشحال بودید، بسیار هیجان زده می شدید
وقتی در سختی و رنج بودید، از آسمان و زمین شکایت می کردید
وقتی مشغول بودید، کنترلی روی خود نداشتید
نیمی از زندگی تان صرف شهرت و ثروت شد
حسی از این وجود دارد که در انتظار کسی بوده‌اید
سپس به سرعت با نگرانی‌های دنیوی تیره و مبهم شد
معنی زندگی چیست؟
حقیقت می تواند قفل حافظه فرد را بگشاید

آیا عهد خود را فراموش کرده‌اید؟

[آن موجود] خدایی از من خواست آواز حقیقت بخوانم
ما مسیری را می‌پیماییم که به‌طور خدایی هدایت شده
گرچه مردم می‌دانند که خطرات دنیا در حال افزایش است
اما ناخواسته به آتش سوخت اضافه می‌کنند
آیا عهدی که در زمان آفرینش بستید را فراموش کرده‌اید؟
آن امید شما برای بازگشت به خانه است

زنگار را بزداييد

فکر نکنید که از شما درخواست می‌کنم مرا آزاد کنید
اجازه ندهید دروغ‌های شیطان سرخ به کنترل شما ادامه دهد
در بحبوحه خطر، فقط از شما می‌خواهم که از حقیقت آگاه شوید
و امیدوارم که [آن موجود] خدایی از شما محافظت کند
صحبت از این نیست که مرا آزاد کنید
چه رسد به اینکه سعی کنم شما را تحت سلطه خود قرار دهم
فقط می‌خواهم به شما بگویم: آنچه مردم
در انتظارش بوده‌اند، هم‌اکنون در این دنیا وارد شده
حقیقت می‌تواند زنگار را از ذهن مردم بزدايد

اميد برگشت به خانه

در ناوک کوه قدم می‌زنم
آسمان پرستاره، بلند، دور و وسیع است
در آسمان شب، کسی آواز می‌خواند
بازپیدایی و تولد دوباره، هزاران بار
مردم همگی از آسمان‌ها آمدند
چرا به این دنیا فرود آمدند، آیا فراموش کرده‌اید؟
لرد آفریدگار تأخیر نکرده است
[در آوردن نجات در زمان پایان کالپا]
صدای آواز از جهان می‌آید
نوای آن در سراسر آسمان و زمین طنین‌انداز است

جهان دنیوی مانند دریا است

جهان دنیوی مانند دریایی بین آسمان بیکران و زمین است
زندگی بشری مانند قایقی کوچک شناور در اقیانوس وسیع
در میان امواج، مردم نمی‌دانند این دنیای بشری چقدر پرمخاطره است
بین دنیای بشری و ورای آن، دیواری است
امواج و صخره‌های زیادی در انتظار شما هستند
فقط حقیقت می‌تواند به شما کمک کند به خانه برگردید

هشیار شدن

زندگی بشری چقدر ادامه دارد؟
با مسرت آواز خواندن و چشیدن شراب‌های خالص
غافل از اینکه فاجعه درحال نزدیک شدن است
مردم دنیا هنوز جنب و جوش و تکاپو می‌کنند
تولد و پیری زودگذر هستند
حقیقت درست در کنار شما است
آن پادشاه مقدس به دنیا آمده است
اگر [این فرصت] از دست برود، آن پشمانی بسیار اندوه‌آور است

در انتظار نجات بودا

فاجعه آمده
مردم به آن پی نمی‌برند
خیلی دیر نیست که از حقیقت آگاه شد-
دوران سرخ پدید آمد تا برای دنیا هرج و مرج بیاورد
علامت و نشان آن جانور سرخ را محو کنید
و شما تحت حفاظت [آن موجود] خدایی خواهید بود
در انتظار نجات بودا بوده‌اید

صحبت از پیوندهای کارمایی

در دریای وسیع مردم، ملاقات سخت صورت می‌گیرد
لبخندی که تصادفی نقش می‌بندد، از یک پیوند کارمایی است
ذهن‌تان را آرام کنید و حقیقت را بشنوید
هزاران سال در انتظار این کلمات بوده‌اید
دافای نجات‌دهنده در حال اشاعه در این دنیا است
هر کلام از اسرار آسمانی حقیقی است

حقیقت

آیا هنوز می‌توانید قفل حافظه‌تان را بگشایید؟
آیا عهدی که قبل از آمدن به این دنیا بستید هنوز وجود دارد؟
در طول بازپیدایی‌ها، همگی در انتظار [آن موجود] خدایی بوده‌ایم
موجودات خدایی مدتهاست که آمده‌اند، فقط آن مستور شده است
مردم دنیا همگی با شهرت و ثروت مشغول هستند
معتقدان به دروغ‌های ح.ک.چ حتی آن جانور سرخ را عبادت می‌کنند
حقیقت حافظه شما را باز می‌کند
و شما درک خواهید کرد که چرا این همه فاجعه در این دنیا وجود دارد
و چرا مریدان دافا می‌خواهند حقیقت را پخش کنند
پس از بیداری، خودتان را خواهید یافت و از نابودی خلاص می‌شوید

^۱ منظور از ضمیر «او» در این شعر، جیانگ، دبیرکل سابق حزب کمونیست چین (ح.ک.چ) است.

^۲ مورد ۱ را در بالا ملاحظه کنید.

^۳ مفهوم «فرزندی» که در فرهنگ سنتی چین از اهمیت خاصی برخوردار است، شامل این است که فرد خود را وقف والدین خود کند، که به واسطه تولد، به آنها مرهون است.

^۴ یک واژه چینی استفاده شده برای افراد بی وجدانی که خود را خوار و خفیف می کنند و حتی در ازای پولی اندک، برای حزب کار می کنند. مانند اینکه در انجمن های آنلاین مطالبی در حمایت از حزب می نویسند.

^۵ اشاره دارد به کناره گیری از سه سازمان کمونیستی که به طور معمول شهروندان چینی به آنها می پیوندند، یعنی، حزب کمونیست چین (ح.ک.چ)، لیگ جوانان کمونیست، و پیشاهنگان جوان ح.ک.چ.